

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۸، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۶

صفحات ۷۹۹ تا ۸۱۹

## اصول توسعه پایدار در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و

### دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها

سید مصطفی میرمحمدی

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه مفید

(Email: mirmohammadi@mofidu.ac.ir)

محمدرضا جهانی پور\*

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه قم

( تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۰ )

### چکیده

مفهوم توسعه پایدار از دو دهه آخر قرن بیستم به تدریج وارد حوزه سیاست و اقتصاد شد و با اقبال جامعه بین‌المللی و پذیرش گسترده روبرو گردید. ورود این مفهوم به حوزه حقوق بین‌الملل در پی تدوین آن در معاهدات گوناگون منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گرفت و همین امر انجمن حقوق بین‌الملل را بر آن داشت با تشکیل کمیته‌ای اصول حقوق بین‌الملل توسعه پایدار را شناسایی نماید. در این میان با توجه به نقش تعیین‌کننده دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی در توسعه حقوق بین‌الملل، رویکرد این محاکم به مفهوم توسعه پایدار و اصول آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این مقاله با تحلیل برخی آرای دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها نشان می‌دهیم که این محاکم در تصمیمات دو دهه اخیر خود از اصول توسعه پایدار به خوبی استفاده کرده و عنصر هنجاری مفهوم توسعه پایدار را آشکار نموده‌اند. مقایسه آرای دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها یک همسویی معنادار در استناد به اصول توسعه پایدار را از خود نشان می‌دهد و این امر بیانگر تثبیت جایگاه این اصول در رویه این دو نهاد و رویکرد مثبت این محاکم به حقوق نسل‌های آینده، ضمن دفاع از منافع نسل کنونی است.

### واژگان کلیدی

اختلافات بین‌المللی مرتبط با توسعه، اعلامیه دهلی نو، دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها، دیوان بین‌المللی دادگستری، مفهوم توسعه پایدار.

## مقدمه

از اواخر دهه ۱۹۸۰م تلاش‌های بین‌المللی برای حفظ محیط زیست با مفهوم «توسعه پایدار» (Sustainable Development) درآمیخته است. کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست (World Commission on Environment and Development) در گزارش ۱۹۸۷م خود توسعه پایدار را توسعه‌ای تعریف کرد که «نیازهای فعلی را بدون به‌خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده به تأمین نیازهای خود، برآورده می‌سازد».<sup>۱</sup> اصل ۴ اعلامیه ریو نیز تأکید دارد: «برای رسیدن به توسعه پایدار باید حفظ محیط زیست بخشی تفکیک‌ناپذیر از فرایند توسعه باشد و نمی‌توان آن را جدا از توسعه در نظر گرفت».<sup>۲</sup>

این تغییرات اجتماعی-سیاسی، حداقل دو پیامد بااهمیت حقوقی داشت: اول ظهور دیدگاهی جالب در مورد مبارزه با فقر و تخریب محیط زیست، و دوم تقویت و حمایت اصل توسعه پایدار با نمونه‌های متعددی از «رویه دولت‌ها» که ورود آن را به حیطه حقوق بین‌الملل توجیه می‌کرد.

دربارۀ جایگاه اصل توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ بعضی توسعه پایدار را یک اصل جدید حقوق بین‌الملل عرفی می‌دانند و به الزام‌آور بودن آن برای همه اعتقاد دارند. گروهی توسعه پایدار را هدف مشترک بسیاری از دولت‌ها هنگام انعقاد معاهدات اقتصادی و زیست‌محیطی می‌دانند و بنابراین آن را جزء حقوق بین‌الملل معاهداتی در نظر می‌گیرند. برخی هم معتقدند حتی اگر توسعه پایدار را یک اصل حقوق بین‌الملل ندانیم، مطالبۀ آن از سوی دولت‌ها به کارکرد سایر اصول حقوق بین‌الملل یاری رسانده، دولت‌ها را به اتخاذ سازوکارهای حقوقی تضمین‌کننده توسعه پایدار به‌عنوان یک هدف سیاسی تشویق می‌کند.

نکته دارای اهمیت در این میان، نقش برجسته نهادهای قضایی بین‌المللی به‌ویژه دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل و تأثیر چشمگیر آرای دیوان در شکل‌گیری و تثبیت برخی اصول و قواعد حقوقی بین‌المللی است. از این‌رو، تبیین جایگاه مفهوم توسعه پایدار و اصول آن در رویه قضایی بین‌المللی از اهمیت خاصی برخوردار است. در این مقاله با متد تحلیلی-توصیفی به دنبال آن هستیم که جایگاه «توسعه پایدار» را در رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای به‌عنوان دو نمونه از دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی، یکی با صلاحیت عام و دیگری با صلاحیت خاص، تبیین نماییم. برای این منظور، نخست به ابعاد حقوقی مفهوم توسعه پایدار و اختلافات بین‌المللی

۱. متن کامل گزارش را می‌توانید در آدرس [www.un-documents.net/wced-ocf.htm](http://www.un-documents.net/wced-ocf.htm) مطالعه کنید.

۲. ترجمه‌ای از این اعلامیه را می‌توان در آدرس <http://www.unic-ir.org/hr/rio-declaration.htm> مشاهده کرد.

ناشی از آن می‌پردازیم و آنگاه آرا و احکام صادره از سوی دو دیوان پیش‌گفته که در آن‌ها به توسعه پایدار پرداخته شده است، تحلیل خواهد شد. این پژوهش در پی اثبات این فرضیه است که دو دیوان بین‌المللی دادگستری و حقوق دریاها در آرای خود رویکرد مثبتی به مفهوم توسعه پایدار و اصول آن داشته‌اند.

### توسعه پایدار؛ ابعاد حقوق بین‌المللی

بعد از اعلامیه ریو و با افزایش تعداد معاهداتی که در آن‌ها توسعه پایدار به‌عنوان هدف یا یکی از اهداف مطرح می‌شد و همچنین شناسایی توسعه پایدار در برخی نظریات و تصمیمات حقوق بین‌المللی، پرسشی که به‌وجود آمد این بود که آیا اصولی که متضمن توسعه پایدار هستند می‌توانند به تعهد حقوقی بین‌المللی بینجامند و نقض آن‌ها جبران حقوقی را در پی داشته باشد؟ آیا این اصول ماهوی هستند و از ویژگی‌های اجباری برخوردارند؟ برای پاسخ به پرسش‌هایی از این دست باید اصول اساسی حقوق بین‌الملل مربوط به توسعه پایدار مشخص و رویه و اعتقاد حقوقی دولت‌ها (*opinio juris*) تحلیل می‌شود (Cordonier Segger and Khalfan, 2004, p.96). بر این اساس، انجمن حقوق بین‌الملل (International Law Association) در سال ۱۹۹۸م کمیته «جنبه‌های حقوقی توسعه پایدار» را تشکیل داد. این کمیته در پنجمین گزارش خود در سال ۲۰۰۲م اصولی را شناسایی کرد که درنهایت به صورت «اعلامیه دهلی نو درباره اصول حقوق بین‌الملل مربوط به توسعه پایدار» (New Delhi Declaration of Principles of International Law Relating to Sustainable Development) در هفتمین کنفرانس انجمن حقوق بین‌الملل در دهلی نو (۲ آوریل ۲۰۰۲) منتشر شد (Cordonier Segger and Khalfan, 2004, p.97).

در این اعلامیه، هفت اصل شناسایی شد<sup>۱</sup> که عبارت‌اند از: وظیفه دولت‌ها به تضمین استفاده پایدار از منابع طبیعی؛ اصل انصاف و زدودن فقر؛ اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت؛ اصل رویکرد احتیاطی به سلامت انسانی، منابع طبیعی و اکوسیستم؛ اصل مشارکت عمومی و دسترسی به اطلاعات و عدالت؛ اصل حکمرانی خوب؛ اصل یکپارچگی و روابط متقابل به‌خصوص راجع به اهداف اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حقوق بشری (New Delhi Declaration of Principles of International Law Relating to Sustainable Development, 2002, paras. 1-7). در میان این اصول، اصل یکپارچگی اهمیت کلیدی دارد. این اصل بازتابی از وابستگی متقابل جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، مالی، زیست‌محیطی و حقوق

۱. برای مطالعه متن کامل اعلامیه دهلی نو به آدرس [ila-hq.org/en.committees/index.cfm/cid/25](http://ila-hq.org/en.committees/index.cfm/cid/25) مراجعه کنید.

بشری اصول و قواعد حقوق بین‌الملل توسعه پایدار و همچنین وابستگی متقابل نیازهای نسل کنونی و نسل‌های آینده بشری است. اصل یکپارچگی برای دستیابی به توسعه پایدار ضروریست و باید در همه سطوح حکمرانی شامل محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی و همه بخش‌های جامعه اجرا شود. دولت‌ها باید در حل تعارض بین ملاحظات اقتصادی، مالی، اجتماعی و زیست‌محیطی چه از طریق نهادهای موجود و چه از راه تأسیس نهادهای جدید بکوشند (New Delhi Declaration, 2002, para.7).

تحولات بعدی، مفهوم توسعه پایدار را در اسناد حقوقی بین‌المللی مربوط به حوزه‌های گوناگون وارد نمود و امروز تردیدی نیست که این مفهوم جای خود را در رویه معاهده‌ای به خوبی محکم کرده است (Schrijver, 2008, p.104). اما در مورد عرفی شدن آن هنوز تردیدهای جدی وجود دارد. هرچند شواهدی از رویه جهان‌شمول دولت‌ها در پشتیبانی و تعهد به توسعه پایدار دیده می‌شود، اما نمی‌توان به این پرسش که آیا اعتقاد حقوقی، *opinio juris*، وجود دارد یا نه، پاسخ روشنی داد (Cordonier Segger in Armstrong, 2009, p.363-365). اکنون پرسش مطرح‌شده این است که اختلافات بین تابعان حقوق بین‌الملل راجع به توسعه پایدار از کجا ناشی می‌شود؟

### اختلافات بین‌المللی مرتبط با توسعه پایدار

هم کشورهای توسعه‌یافته و هم کشورهای در حال توسعه خواهان تداوم رشد و پیشرفت اقتصادی هستند، اما بی‌شک توسعه اقتصادی دارای آثار مهم اجتماعی و زیست‌محیطی است و همین امر نگرانی‌های فزاینده‌ای در خصوص پایداری الگوهای توسعه به وجود آورده است. این نگرانی‌ها به بروز اختلافاتی در سطح بین‌المللی اعم از اختلافات دولت-دولت و یا دولت-کنشگران غیردولتی منجر شده است. هرچند موضوع محیط زیست در قوانین اساسی بیش از ۱۱۰ کشور وارد شده و به دغدغه دولت‌ها تبدیل شده است (مشهدی، ۱۳۹۳، ص ۵۷۷)، اما بیشتر کشورهای در حال توسعه می‌خواهند حاکمیت مطلق بر منابع طبیعی خود داشته باشند و به پذیرش محدودیت‌های تحمیلی بین‌المللی در بهره‌برداری از این منابع تمایلی ندارند. برای مثال در زیمبابوه، گینه نو و اندونزی، قوانین مربوط به بهره‌برداری از معدن بر دیگر قوانین از جمله قوانین محیط زیستی برتری دارد (ضیائی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۰). با دستیابی کشورهای توسعه‌یافته به استانداردهای کنونی زندگی از رهگذر بهره‌برداری منابع، جلوگیری دیگران از اتخاذ همان الگوها بدون پیشنهاد جایگزین‌های مناسب، عملی نیست (Cordonier Segger in Armstrong, 2009, p.356).

از طرف دیگر، حق ترویج توسعه پایدار در کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص

تغییر اقلیم (UNFCCC) به صراحت پذیرفته و شناسایی شده است (United Nations Framework Convention on Climate Change, 1992, Art.3). این حق چیزی بیش از یک امتیاز ساده است و هم‌تراز با آن، تکلیفی بر دیگری تحمیل می‌شود. «دیگری» در اینجا ممکن است یک دولت یا یک کنشگر غیردولتی باشد. برای مثال، دولت دیگر مکلف است با فعل یا ترک فعل خود مانع تلاش‌های دولت اول برای توسعه پایدار نشود. در واقع دولت‌ها نباید از ترویج توسعه پایدار یکدیگر جلوگیری کرده یا آن را ناکام گذارند (Cordonier Segger in Armstrong, 2009, p.361).

همچنین سیستم‌های اکولوژیکی در سطوح منطقه‌ای و جهانی به‌نحو پیچیده‌ای با یکدیگر ارتباط و پیوستگی دارند که این موضوع با یافته‌های جدید علمی یا به کمک فناوری‌های مدرن قابل تشخیص است. رعایت نکردن اقدامات حمایتی نسبت به محیط‌زیست ممکن است آثار و پیامدهایی در سطح منطقه‌ای یا حتی فرامنطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد و منشأ اختلافات بین دولت‌ها گردد. با وجود این، اگر دولتی نشان دهد که در فرایند توسعه برای حفاظت از محیط زیست اقداماتی انجام داده و به دنبال جلوگیری یا حداقل تخفیف زیان به محیط زیست و حقوق انسان‌ها بوده است، به خوبی می‌تواند از حق خودش در توسعه پایدار دفاع کند (Ibid, p.362).

بنابراین، توسعه پایدار ضمن آنکه هدف مطلوب بسیاری از دولت‌ها هنگام انعقاد معاهدات یا تصویب اعلامیه‌هاست، اما در عرصه اجرا، نبود درک همسان از عناصر سازنده این مفهوم، به‌ویژه وصف هنجاری آن و نداشتن توافق بر سر یک تعریف جامع با مرزهای بیرونی واضح و شفاف چالش‌هایی ایجاد کرده که یک نمود مهم آن اختلافات متعدد در سطح بین‌المللی به‌ویژه در دو دهه اخیر است. حتی در محاکم بین‌المللی نیز ممکن است دیدگاه‌های قضات نسبت به توصیف و حدود توسعه پایدار متفاوت باشد (Schrijver, 2008, p.112).

### توسعه پایدار و دیوان بین‌المللی دادگستری

رسیدگی به اختلافات بین‌المللی مربوط به توسعه در دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی پدیده‌ای است نسبتاً جدید و به‌طور عمده در دو دهه اخیر رشد داشته است. درحقیقت پس از اجلاس ۱۹۹۲م ریو، دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی استفاده از مفهوم توسعه پایدار و عناصر سازنده آن در حل و فصل اختلافات بین‌المللی را شروع کرده‌اند (Boyle and Harrison, 2013, p.245). اصول مختلف توسعه پایدار به‌ویژه اصل یکپارچگی، حکمرانی خوب و مسئولیت مشترک اما متفاوت در این نهادها شناسایی شده و در راستای حل اختلاف و اتخاذ تصمیم به آن‌ها استناد شده است. در این بین اصل یکپارچگی از بقیه

برجسته‌تر بوده و درواقع نقش محوری را برعهده داشته است ( Kornfeld in Faure, 2016, p.442).

دیوان بین‌المللی دادگستری (International Court of Justice) یا همان دادگاه جهانی که رکن اصلی قضایی ملل متحد است و نقش بسیار مهمی در حل و فصل اختلافات بین دولت‌ها دارد، در سال ۱۹۹۳م اقدام به تشکیل شعبه اختلافات محیط زیست نمود که پس از ۱۳ سال در سال ۲۰۰۶م تعطیل شد و دلیل آن هم این بود که در این مدت هیچ قضیه‌ای به آن ارجاع نشد. درواقع هیچ قضیه‌ای که صرفاً وصف زیست‌محیطی داشته باشد، نزد دیوان مطرح نشد. این امر به خوبی نشان می‌دهد که اختلافات بین‌المللی مرتبط با توسعه صرفاً زیست‌محیطی نیست و ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز در آن‌ها مطرح است ( Boyle and Harrison, 2013, p.246). با این حال در طول دو دهه اخیر چند قضیه مرتبط با موضوع توسعه در دیوان مطرح، و آرای دیوان در این قضایا از جنبه‌های زیست‌محیطی و توسعه پایدار از سوی حقوق‌دانان تجزیه و تحلیل شده است.

### ۱. قضیه گابچیکو- ناگیماروس

بی‌شک قضیه «گابچیکو- ناگیماروس» (Gabcikovo-Nagymaros) را باید اولین و تأثیرگذارترین قضیه در دو دهه اخیر از لحاظ ورود دیوان به مسائل زیست‌محیطی و به‌کارگیری مفهوم توسعه پایدار و اصول آن در آرای دیوان دانست.

شروع این قضیه برمی‌گردد به معاهده‌ای که در ۱۹۷۷م بین مجارستان و چکسلواکی سابق منعقد شد؛ معاهده «ساخت و بهره‌برداری سیستم سد‌های گابچیکو- ناگیماروس». در این معاهده طرفین بر رعایت محیط زیست تأکید، و در خصوص ارجاع اختلافات احتمالی به دیوان بین‌المللی دادگستری توافق کردند (Patel, 2014, p.112). این معاهده از ۳۰ ژوئن ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا شد، اما با گسترش اعتراضات مردم مجارستان نسبت به آثار زیست‌محیطی این پروژه، در ۱۳ می ۱۹۸۹ مجارستان تصمیم گرفت تا زمان تکمیل مطالعات درباره عوارض این طرح، اجرای پروژه را به حال تعلیق درآورد و در اکتبر همان سال تصمیم گرفت طرح را در بخش ناگیماروس نیمه‌کاره رها کند. چکسلواکی هم در مقابل شروع به بررسی طرح‌های جایگزین کرد که یکی از آن‌ها «Variant C» بود و در گامی فراتر «راه‌حل موقتی» را آغاز نمود. عکس‌العمل مجارستان، تصمیم به پایان دادن معاهده بین دو کشور از تاریخ ۲۵ می ۱۹۹۲ بود. در این میان با فروپاشی چکسلواکی و جانشینی اسلواکی به جای آن، اسلواکی و مجارستان در آوریل ۱۹۹۳ با توافق ویژه موضوع اختلاف را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دادند (Beham, 2015, p.120).

دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ رأی خود را در قضیه «گابچیکوو-ناگیماروس» صادر کرد. بر اساس این رأی: «مجارستان برای تعلیق و در پی آن رها کردن پروژه گابچیکوو-ناگیماروس محق نبوده است. چکسلواکی هم به عملیاتی کردن راه‌حل موقتی از اکتبر ۱۹۹۲ محق نبوده است. اعلام پایان معاهده ۱۹۷۷م و اسناد مربوطه از سوی مجارستان در ۱۹ می ۱۹۹۲ فاقد چنین اثر حقوقی است. مجارستان و اسلواکی باید با حسن‌نیت در پرتو وضعیت حاکم مذاکره نموده، همه اقدامات ضروری برای تحقق اهداف معاهده ۱۹۷۷م را با روش‌های توافق شده به کار گیرند. مجارستان به دلیل آسیب‌های وارده به چکسلواکی (و در واقع دولت جانشین آن یعنی اسلواکی) بر اثر تعلیق و سپس رها کردن کارهای مربوط به پروژه که مسئول آن بوده است، باید به اسلواکی غرامت پرداخت کند و اسلواکی نیز به دلیل عملیاتی کردن «راه‌حل موقتی» از سوی چکسلواکی و تعطیل نشدن آن از جانب اسلواکی، باید به مجارستان خسارت پرداخت کند؛ مگر آنکه طرفین به‌گونه‌ای دیگر توافق نمایند» (Case concerning Gabčíkovo-Nagymaros Project, 1997, para.155).

## ۲. تحلیل رأی بر اساس اصول توسعه پایدار

### ۲.۱. مفهوم توسعه پایدار

دیوان بین‌المللی دادگستری برای اولین بار در رأی قضیه «گابچیکوو-ناگیماروس» به مفهوم توسعه پایدار پرداخت و از آن در استدلال خود بهره گرفت. دیوان در بخشی از رأی با بیان مقدمه‌ای، مفهوم توسعه پایدار را تجلی آشتی بین اهداف توسعه اقتصادی و حمایت محیط زیست دانست. به نظر دیوان «در طی صدها سال بشریت به دلایل اقتصادی و غیره همواره در محیط زیست دخالت داشته است. در گذشته این دخالت بدون ملاحظه آثار آن بر محیط زیست صورت می‌گرفت. با یافته‌های جدید علمی و گسترش آگاهی از خطر چنین مداخله‌های بی‌وقفه و نسنجیده‌ای بر نسل‌های کنونی و آینده بشریت، هنجارها و استانداردهای جدیدی در قالب حجم انبوهی از اسناد تدوین یافت. در طراحی فعالیت‌های جدید و ادامه فعالیت‌هایی که از گذشته آغاز شده‌اند باید هنجارهای جدید مد نظر قرار گیرند. این امر نیازمند آشتی میان توسعه اقتصادی و حمایت محیط زیست است که به‌درستی در مفهوم توسعه پایدار بروز یافته است» (Ibid, para.140).

دیوان بر اساس همین دیدگاه در خصوص پرونده حاضر نتیجه‌گیری می‌کند که «تأثیر و عوارض این پروژه بر محیط زیست یک موضوع کلیدی است. گزارش‌های متعدد علمی که طرفین به دیوان ارائه داده‌اند، هرچند اغلب نتیجه‌گیری‌های متناقضی دارند، شواهد فراوانی دال

بر قابل توجه بودن این تأثیر و عوارض فراهم کرده‌اند. از نظر ارزیابی خطرهای زیست‌محیطی، استانداردهای کنونی باید مد نظر قرار گیرند... طرفین باید با هم آثار زیست‌محیطی عملیات نیروگاه گابچیکوو را بازنگری کرده، به خصوص در مورد حجم آبی که به بستر قدیمی دانوب ریخته می‌شود راه‌حل رضایت‌بخشی پیدا کنند...» (Ibid).

نظر جداگانه قاضی ویرامانتری (Christopher Gregory Weeramantry)، نایب رئیس وقت دیوان بین‌المللی دادگستری<sup>۱</sup>، نیز در این زمینه بسیار جالب، پرمحتوا و تأثیرگذار است. وی در نظر خود به تفصیل به موضوع توسعه پایدار پرداخته، نخست از «توسعه» و «حمایت محیط زیست» به عنوان دو اصل حقوق بین‌الملل یاد می‌کند و با تأکید بر اینکه توسعه صرفاً به دنبال پیشرفت و برخورداری اقتصادی نیست، بلکه رفاه و سعادت بشری را جستجو می‌کند، اظهار می‌دارد: «تخریب محیط زیست به همه حق‌های بشری مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد حقوق بشری آسیب زده، اجرای آن‌ها را مختل می‌سازد. بنابراین، ضمن اینکه همه ملت‌ها حق دارند طرح‌های توسعه را آغاز نمایند، وظیفه دارند عدم آسیب جدی به محیط زیست را در این طرح‌ها تضمین کنند» (Case concerning Gabcikovo-Nagymaros). (Project, Separate Opinion of Vice-President Weeramantry, p.88-89).

ویرامانتری معتقد است چه در حوزه معاهدات چندجانبه و چه در اعلامیه‌های بین‌المللی و اسناد مؤسس سازمان‌های بین‌المللی یا رویه دولت‌ها، شناسایی عام و گسترده از این مفهوم وجود دارد و لذا اصل توسعه پایدار را بخشی از حقوق بین‌الملل جدید معرفی می‌کند و می‌گوید: «توسعه پایدار به عنوان یک اصل نه تنها از سوی کشورهای در حال توسعه بلکه از جانب سایر کشورها نیز پذیرفته شده و در واقع پذیرش جهانی یافته است. پس اصل توسعه پایدار بخشی از حقوق بین‌الملل مدرن است، نه فقط به علت ضرورت منطقی گریزناپذیر آن، بلکه به دلیل پذیرش عام و گسترده آن از سوی جامعه جهانی» (Ibid, p.90-92). قاضی ویرامانتری در توصیف مفهوم توسعه پایدار به طور ضمنی به عرفی شدن این اصل هم اشاره دارد. البته او از اثبات اعتقاد حقوقی (Opinio Juris) می‌گریزد، اما وجود عنصر مادی یعنی رویه دولت‌ها را مسلم می‌داند: «...این مفهوم در موافقت‌نامه‌های متعدد بین‌المللی وارد شده، بنابراین نیرویی الزام‌آور پیدا کرده است. پشتیبانی عام جامعه بین‌المللی از این اصل به این معنا نیست که هر عضو این جامعه حمایت صریح و خاص خود را اعلام کرده است و البته برای ایجاد یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی چنین چیزی ضرورت ندارد» (Ibid, p.92).

۱. این قاضی مشهور و صاحب‌نظر سریلانکایی در ۵ ژانویه ۲۰۱۷ درگذشت.



## ۲.۲. اصل یکپارچگی

دیوان در رأی قضیه «گابچیکوو- ناگیماروس» بدون اشاره صریح به این اصل، بر مضمون آن، که همان ضرورت ادغام ملاحظات زیست‌محیطی در فرایند توسعه است، تأکید دارد و از طرفین می‌خواهد با توافق به راه‌حلی مشترک و یکپارچه دست یابند که در آن اهداف معاهده، هنجارهای حقوق بین‌الملل محیط زیست و اصول حقوق آبراه‌های بین‌المللی لحاظ گردد (Case concerning Gabčíkovo-Nagymaros project, 1997, p.75).

قاضی ویرامانتری هم در نظر جداگانه خود ضرورت یکپارچگی ملاحظات زیست‌محیطی و توسعه‌ای را تصدیق می‌کند و می‌گوید: «مفهوم آشتی بین نیاز به توسعه و نیاز به حفظ محیط زیست مفهوم جدیدی نیست، بلکه ردپایی از آن را در بعضی تمدن‌های قدیمی نیز می‌توان یافت که به شکل معناداری برای نسل امروزی آشکار شده است... وقتی یک پروژه بزرگ طراحی و عملیاتی می‌شود، ضروری است بین ملاحظات توسعه‌ای و ملاحظات زیست‌محیطی توازن برقرار گردد...» (Case concerning Gabčíkovo-Nagymaros Project, Separate Opinion of Vice-president Weeramantry, p.76&95).

## ۳. قضیه کارخانه‌های خمیر کاغذ

شاید بتوان قضیه «کارخانه‌های خمیر کاغذ» (Pulp Mills on The River Uruguay) را پس از «گابچیکوو- ناگیماروس» مهم‌ترین قضیه مطرح‌شده در دیوان از ابعاد زیست‌محیطی و توسعه پایدار دانست.

در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵م، دولت اروگوئه ساخت دو کارخانه تولید خمیر کاغذ به نام‌های Orion و CMB را در کنار رودخانه اروگوئه (رودخانه مرزی میان اروگوئه و آرژانتین) تصویب و مجوزهای زیست‌محیطی لازم را هم اعطا نمود. این اقدام اروگوئه واکنش شدید دولت آرژانتین و همچنین ساکنان مناطق مجاور رودخانه را در پی داشت. حکومت آرژانتین نگرانی جدی خود را در خصوص آثار زیان‌بار زیست‌محیطی کارخانه‌ها به اطلاع دولت اروگوئه رساند. پس از آن، دو کشور یک گروه فنی بلندمرتبه برای رسیدن به توافق بر مبنای اساسنامه ۱۹۷۵م رودخانه اروگوئه تشکیل دادند. این اساسنامه به امضای دولت‌های اروگوئه و آرژانتین رسید که بر روابط دو کشور در مورد رودخانه اروگوئه حاکم است. با ساخت یکی از کارخانه‌ها مذاکرات متوقف شد. سرانجام در ۴ می ۲۰۰۶، دولت آرژانتین برای حل و فصل قضایی این اختلاف، دادخواست خود را نزد دیوان بین‌المللی دادگستری به‌ثبت رساند (Zhu and He, 2012, p.106).

دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۰ آوریل ۲۰۱۰ رأی خود را در قضیه «کارخانه‌های خمیر کاغذ» (آرژانتین علیه اروگوئه) صادر نمود. بر اساس این رأی، دیوان دریافت که اروگوئه از تعهدات شکلی خود بر مبنای مواد ۵ تا ۱۲ اساسنامه ۱۹۷۵م رودخانه اروگوئه تخلف کرده، اما تعهدات ماهوی خود مبتنی بر مواد ۳۵، ۳۶ و ۴۱ اساسنامه ۱۹۷۵م رودخانه را نقض نکرده است (Case concerning Pulp Mills on The River Uruguay, 2010, para.282).

#### ۴. تحلیل رأی بر اساس اصول توسعه پایدار

##### ۴.۱. مفهوم توسعه پایدار

در رسیدگی به این قضیه، دیوان به چند عنوان مهم در حقوق بین‌الملل محیط زیست از جمله ارزیابی آثار زیست‌محیطی و بار اثبات در قضایای زیست‌محیطی پرداخت و همچنین از مفهوم توسعه پایدار و بعضی اصول آن استفاده کرد (Zhu and He, 2012, p.107).

مفهوم توسعه پایدار به دفعات در استدلال‌های دیوان در این قضیه به کار گرفته شد. از نظر دیوان «...هدف و موضوع اساسنامه ۱۹۷۵م، تعهد طرفین به استفاده منطقی و بهینه از رودخانه اروگوئه است... که چنین استفاده‌ای باید با اصل توسعه پایدار مطابقت داشته باشد. برای توسعه پایدار، حفاظت مداوم محیط زیست رودخانه و تأمین حقوق اقتصادی دولت‌های مجاور ضروری است» (Case concerning Pulp Mills on The River Uruguay, 2010, para.75).

دیوان بار دیگر نظر خود را در رأی قضیه «گابچی‌کوو-ناگیماروس» تکرار می‌کند که «آشتی بین توسعه اقتصادی و حمایت محیط زیست، به درستی در مفهوم توسعه پایدار بروز یافته است» و با اشاره به ماده ۲۷ اساسنامه رودخانه اروگوئه آن را بازتابی از مفهوم توسعه پایدار می‌داند و بار دیگر بر جوهره این مفهوم تأکید می‌کند: «دیوان بر این نظر است که ماده ۲۷ متضمن ارتباط متقابل بین استفاده معقول و منصفانه از منابع مشترک و توازن بین توسعه اقتصادی و حمایت محیط زیست است که جوهره توسعه پایدار می‌باشد» (Ibid, para.177).

نظر جداگانه قاضی ترینداده (Cançado Trindade) نیز از این حیث قابل توجه است. وی در نظر خود به تفصیل وارد مباحث حقوق بین‌الملل محیط زیست شده و از جمله به مفهوم توسعه پایدار پرداخته است. از دیدگاه وی «توسعه پایدار را می‌توان به‌عنوان پلی میان حق بر محیط زیست سالم و حق بر توسعه در نظر گرفت؛ ملاحظات زیست‌محیطی و ملاحظات توسعه‌ای به صورت مشترک بر مسائلی مانند فقرزدایی و تأمین نیازهای اساسی انسان سایه افکنده‌اند. روشن است که موجودیت انسان در کانون توسعه پایدار قرار دارد» (Case concerning Pulp Mills on The River Uruguay, Separate Opinion of Judge Trindade, para.132).

ترینداده انصاف بین‌نسلی را به التزام دولت‌ها به توسعه پایدار مرتبط می‌کند و توجه به نیاز نسل‌های آینده را عنصر مهم برنامه‌های کنونی توسعه و فقرزدایی می‌داند: «پیشبرد انصاف بین‌نسلی ارتباط نزدیکی دارد با تصدیق اصل توسعه پایدار از سوی طرفین... بعد زمانی توسعه پایدار همان‌گونه که در گزارش بروتلند به صورت تأمین نیاز نسل کنونی بدون به‌خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده به تأمین نیازهای خود تبیین گردید، اکنون فرایند رشد اقتصادی فقرزدایی و برآوردن نیازهای اساسی انسان مانند آموزش، مسکن، غذا و بهداشت را دربر گرفته است» (Ibid, para.125).

قاضی ترینداده حمایت از حقوق انسان و حمایت محیط زیست را دو موضوع با رابطه متقابل می‌داند و می‌گوید: «در دوران معاصر حمایت از حقوق انسان‌ها و حمایت از محیط زیست دو موضوع با رابطه‌ای متقابل هستند. در اعلامیه ریو ۱۹۹۲م، انسان در کانون توسعه پایدار قرار دارد و در اعلامیه ۱۹۹۳ وین، توسعه پایدار درباره جنبه‌های متمایز حقوق بین‌الملل بشر مطرح می‌شود» (Ibid, para.159).

#### ۲.۴. اصل احتیاط

رویکرد احتیاطی، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی را متعهد می‌کند که از فعالیت‌هایی که باعث آسیب مهم به سلامت انسانی، منابع طبیعی و اکوسیستم‌ها می‌شوند (حتی در صورت عدم قطعیت علمی)، خودداری کنند (New Delhi Declaration, 2002, para.4). دیوان در رأی قضیه «کارخانه‌های خمیر کاغذ» خاطر نشان ساخت که «اصل پیشگیری به‌عنوان یک قاعده عرفی ریشه در ضرورت تلاش مقتضی یک دولت در محدوده سرزمینش دارد. هیچ دولتی نباید آگاهانه اجازه دهد از سرزمینش برای اقدامات مغایر حقوق دولت‌های دیگر استفاده شود. لذا یک دولت متعهد است از تمام ابزارهای در دسترس خود استفاده کند تا اجازه ندهد فعالیت‌هایی در محدوده سرزمینی یا هر منطقه تحت صلاحیتش صورت گیرد که باعث آسیب قابل توجه به محیط زیست دولت دیگر شود» (Case concerning Pulp Mills on The River Uruguay, 2010, para.101). بنابراین، دیوان از یک سو اصل پیشگیری (Preventive Principle)<sup>۱</sup> را یک قاعده عرفی دانسته، دولت‌ها را به مقابله با اقدامات مخرب محیط زیست کشورهای دیگر متعهد می‌داند و از سوی دیگر بدون آنکه عرفی شدن رویکرد احتیاطی را شناسایی کند، اجرای آن را به طرفین توصیه می‌نماید: «از نظر دیوان، تعهد

۱. اصل پیشگیری بر انجام اقدامات ضروری برای جلوگیری از آسیب قطعی به محیط زیست تأکید دارد؛ درحالی که اصل احتیاط متضمن اقدامات لازم در مواردی است که خطر جدی آسیب به محیط زیست وجود دارد، اما دلایل علمی برای اثبات آن کافی نیست (Sands, 2003, p.268).

به اطلاع‌رسانی رسمی به منظور ایجاد شرایطی برای همکاری موفق بین طرفین برای برآورد آثار زیست‌محیطی پروژه، و در صورت نیاز برای پیشگیری از آسیب‌های بالقوه‌ای که ممکن است ایجاد کند، به مذاکره می‌انجامد. شایسته است رویکرد احتیاطی در تفسیر و اجرای مقررات معاهده به کار گرفته شود...» (Ibid, paras.164, 204)

## ۵. قضیه صید نهنگ در جنوبگان

صید نهنگ همواره یک موضوع بسیار بحث‌برانگیز میان کشورهای صیاد مانند ژاپن، و کشورهای مخالف صید مانند استرالیا و نیوزیلند بوده و در واقع یک موضوع چندجانبه است و نباید به آن صرفاً به‌عنوان اختلاف دو کشور نگاه کرد. در مورد اخیر موضوع ابتدا در کمیسیون بین‌المللی صید نهنگ (IWC) مطرح گردید و با حل نشدن آن به صورت اختلاف دو دولت استرالیا و ژاپن به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع شد ( Fitzmaurice and Tamada, 2016, p.2).

در ۳۱ می ۲۰۱۰ استرالیا با ثبت دادخواست خود در دیوان، ژاپن را در خصوص صید نهنگ در مقیاس وسیع با عنوان «برنامه تحقیقاتی نهنگ ژاپنی با مجوز خاص در جنوبگان» (JARPA II) به نقض تعهداتش بر مبنای کنوانسیون بین‌المللی تنظیم صید نهنگ و سایر تعهدات بین‌المللی برای حفاظت از پستانداران دریایی و محیط زیست دریایی متهم کرد ( Whaling in The Antarctic, 2014, paras.1-7). در ۳۱ مارس ۲۰۱۴ دیوان بین‌المللی دادگستری رأی خود را در پرونده «صید نهنگ» صادر نمود. دیوان بر اساس این رأی، اقدام ژاپن در صید انواعی از نهنگ‌ها بر اساس برنامه JARPA II را مغایر با تعهداتش برابر کنوانسیون بین‌المللی تنظیم صید نهنگ تشخیص داد و تأکید کرد ژاپن باید هر گونه مجوز موجود در خصوص این طرح را لغو کند و از اعطای هر نوع مجوز برای پیگیری برنامه خودداری نماید ( Ibid, para.247).

## ۶. تحلیل رأی دیوان بر اساس اصول توسعه پایدار

### ۶.۱. استفاده پایدار از منابع طبیعی

حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی آن‌ها مطلق نیست و عدم اضرار به محیط زیست دیگر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت هر دولتی مانند دریای آزاد، بستر دریا و ماورای جو آن را محدود می‌سازد. دولت‌ها باید سرعت استفاده از منابع طبیعی را با نیازهای نسل‌های آینده هماهنگ سازند و در واقع از منابع طبیعی به شیوه‌ای پایدار بهره‌برداری نمایند ( New Delhi Declaration, 2002, para.1). دیوان در رأی قضیه «صید نهنگ» توجه خاص به این اصل دارد

و در موارد متعددی بر آن تأکید می‌ورزد. به نظر دیوان «... عملیات صید نهنگ باید به گونه‌هایی محدود شود که بیشترین توانایی برای بهره‌برداری پایدار از آن‌ها وجود داشته باشد...» (Whaling in The Antarctic, 2014, para.56).

## ۶.۲. اصل انصاف

این اصل هم انصاف بین‌نسلی را مد نظر دارد؛ یعنی حق نسل‌های آینده به برخورداری منصفانه از میراث مشترک، و هم انصاف درون‌نسلی، یعنی حق همه انسان‌های نسل حاضر به دسترسی بر آنچه نسل کنونی از منابع طبیعی زمین استحقاق دارد (New Delhi Declaration, 2002, para.2). در رأی قضیه «صید نهنگ»، دیوان بارها بر بهره‌برداری پایدار از منابع دریایی به‌ویژه نهنگ تأکید، و حقوق نسل‌های آینده را یادآوری می‌کند؛ از جمله خاطر نشان می‌سازد: «برنامه‌هایی با اهداف تحقیقات علمی باید به تقویت دانسته‌های علمی منجر شوند. این برنامه‌ها می‌توانند اهداف حفاظت یا بهره‌برداری پایدار از سهمیه‌های نهنگ و یا اهداف علمی دیگر را تعقیب نمایند... منافع ملت‌های جهان در حفاظت از منابع طبیعی بزرگ برای نسل‌های آینده در سهمیه‌های صید نهنگ نمایش یافته است» (Whaling in The Antarctic, 2014, paras.56&58).

## اصول توسعه پایدار و دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها

تا ژانویه ۲۰۱۷، ۲۵ قضیه در دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها مطرح شد که ۲۳ مورد ترافیکی و دو مورد تقاضای نظر مشورتی بود. به جز دو مورد از قضایای ترافیکی برای سایر قضایا رأی صادر شده است.<sup>۱</sup> در این میان، چند رأی ترافیکی و یا مشورتی به موضوع توسعه پایدار ارتباط داشته است.

### ۱. نظر مشورتی شعبه اختلافات بستر دریا

این نظر مشورتی از نظر طرح مسائل زیست‌محیطی و برخی اصول توسعه پایدار دارای اهمیت است. لازم به توضیح است که شورا و مجمع مقام بین‌المللی اعماق دریاها می‌توانند از شعبه اختلافات اعماق دریا در خصوص پرسش‌های حقوقی مربوط به محدوده فعالیتشان درخواست نظر مشورتی کنند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵، ص ۳۳۹). در ۶ می ۲۰۱۰، شورای مقام بین‌المللی بستر دریاها (اعماق دریاها) برابر ماده ۱۹۱ کنوانسیون حقوق دریاها، از شعبه

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک. <https://www.itlos.org> وبسایت دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها.

اختلافات بستر دریا (اعماق دریا) تقاضا کرد نظر مشورتی خود را درباره پرسش‌های زیر ارائه نماید:

۱. تعهدات و مسئولیت‌های حقوقی دولت‌های عضو کنوانسیون در خصوص حمایت از فعالیت‌ها در ناحیه<sup>۱</sup> (بستر و زیربستر دریاها) مطابق بخش ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها و موافقت‌نامه اجرایی آن چیست؟ ۲. دامنه مسئولیت هر دولت عضو در قبال کوتاهی یک نهاد مورد حمایت آن دولت در التزام به کنوانسیون حقوق دریاها به‌ویژه بخش ۱۱ آن چقدر است؟ ۳. اقدامات ضروری و مقتضی که یک دولت حامی باید انجام دهد تا مسئولیت خود را به‌موجب کنوانسیون حقوق دریاها به‌خصوص ماده ۱۳۹ و ضمیمه سوم و موافقت‌نامه اجرایی انجام داده باشد، چیست؟ (Decision of the Council of Authority Requesting an Advisory Opinion, 2010).

در اول فوریه ۲۰۱۱، شعبه اختلافات بستر دریا نظر مشورتی خود را پیرامون پرسش‌های شورای مقام ارائه نمود. بند اجرایی این رأی که خود ۵ صفحه است دلالت دارد بر اینکه دولت‌های حامی به‌موجب کنوانسیون و اسناد مربوط، دو نوع تعهد دارند: نخست، تضمین التزام پیمانکاران به مفاد قرارداد و تعهدات مندرج در کنوانسیون و اسناد مربوط، و دوم تعهدات مستقیم دولت‌های حامی که باید به آن‌ها ملتزم باشند؛ از جمله تعهد به یاری مقام برابر با ماده ۱۵۳ کنوانسیون، تعهد به اعمال رویکرد احتیاطی مطابق با اصل ۱۵ اعلامیه ریو، تعهد به اعمال بهترین رویه‌های زیست‌محیطی و... که این‌ها همان تعهد به «تلاش مقتضی» (due diligence) است. شرط طرح مسئولیت برای دولت‌های حامی، کوتاهی در انجام مسئولیت‌ها به‌موجب کنوانسیون و وقوع خسارت است. کوتاهی پیمانکار مورد حمایت در انجام تعهداتش به‌خودی‌خود باعث طرح مسئولیت برای دولت حامی نمی‌شود. در صورتی مسئولیت برای دولت حامی اثبات می‌شود که رابطه سببیت بین کوتاهی آن دولت در انجام تلاش مقتضی و وقوع خسارت وجود داشته باشد (Responsibilities and Obligations of States Sponsoring Persons and Entities with Respect to Activities in the Area, 2011, para.242).

## ۲. تحلیل رأی شعبه بر اساس اصول توسعه پایدار

### ۲.۱. استفاده پایدار از منابع طبیعی

منابع طبیعی بستر و زیر بستر دریای آزاد، میراث مشترک بشریت است و بهره‌برداری از آن‌ها باید تحت مدیریت و نظارت مقام بین‌المللی بستر دریا صورت گیرد (طلایی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۲).

۱. معادل The Area که در بعضی متون فارسی به «منطقه» نیز ترجمه شده است.

با این حال هم شرکت‌های پیمانکاری برای بهره‌برداری از منابع و هم دولت‌های حامی این شرکت‌ها (sponsoring states) مسئولیت‌هایی در خصوص بهره‌برداری معقول و پایدار از منابع برعهده دارند (Tanaka, 2012, p.174).

شعبه اختلافات بستر دریا در نظر مشورتی خود به این مهم توجه کرده و از جمله تصریح نموده است: «فعالیت‌ها در ناحیه بر انواع مختلفی از مواد معدنی از جمله کلوخه‌های پلی‌متالیک و سولفیدهای پلی‌متالیک یا لایه‌های فرومگن‌ز غنی از کبالت متمرکز است و این امر نیازمند استانداردهای متفاوتی از تلاش مقتضی است. برای فعالیت‌های پرخطرتر، استانداردهای سخت‌تری لازم است.....» (Responsibilities and obligations of States sponsoring persons and Entities with Respect to Activities in the Area, 2011, para.117).

## ۲.۲. اصل یکپارچگی

اصل یکپارچگی که همان درهم تنیدگی ملاحظات اقتصادی و زیست‌محیطی است، در این نظر مشورتی نیز به آن عنایت شده است. بر اساس نظر شعبه: «سهل‌انگاری دولت‌های حامی می‌تواند اعمال یکدست بالاترین استانداردهای حمایت محیط زیست دریایی، توسعه ایمن فعالیت‌ها در ناحیه و حفاظت میراث مشترک بشری را به خطر اندازد. در حوزه تعهد به یاری مقام، دولت حامی از طرف کل جامعه بشری اقدام می‌کند، اما در زمینه تصمیم‌گیری اقدامات منطقی و مناسب، دولت حامی باید به‌طور هدفمند با در نظر گرفتن گزینه‌های مربوط به طریقی که معقول و سودمند برای کل بشریت است، عمل نماید..... دولت حامی باید به‌ویژه وقتی که اقدامش به احتمال زیاد تأثیر زیان‌بار بر منافع تمام جامعه بشری می‌گذارد، با حسن‌نیت عمل کند. از مهم‌ترین تعهدات مستقیم دولت‌های حامی، تعهد به یاری مقام در اعمال کنترل بر فعالیت‌ها در ناحیه؛ تعهد به اعمال رویکرد احتیاطی؛ تعهد به اعمال بهترین رویه‌های زیست‌محیطی؛ تعهد به تضمین غرامت در خصوص خسارت ناشی از آلودگی؛ تعهد به هدایت برآورد آثار زیست‌محیطی است.....» (Ibid, paras.122,159,230).

## ۲.۳. اصل احتیاط

شعبه اختلافات بستر دریا در این نظر مشورتی به رویکرد احتیاطی نگاه ویژه‌ای دارد و به تفصیل در این مورد سخن رانده و حتی عرفی شدن اصل احتیاط را به‌طور ضمنی تأیید کرده است. از نگاه شعبه، هم دولت‌های حامی و هم مقام، متعهد به اعمال رویکرد احتیاطی در خصوص فعالیت‌ها در ناحیه هستند. رویکرد احتیاطی همچنین بخشی جدایی‌ناپذیر از تعهد به تلاش مقتضی دولت‌های حامی است. آن‌ها باید برای پیشگیری از خسارت ناشی از فعالیت‌های

پیمانکاران مورد حمایت خویش تمام اقدامات مناسب را معمول دارند. شعبه نتیجه می‌گیرد که در تعداد فزاینده‌ای از معاهدات بین‌المللی و سایر اسناد درج‌شده که بازتابی از اصل ۱۵ اعلامیه ریو است، رویکرد احتیاطی و گرایش به سوی تلقی این رویکرد به‌عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی آغاز شده است (Ibid, paras.131,135).

#### ۲.۴. حکمرانی خوب

حکمرانی خوب یکی از اصول توسعه پایدار و متضمن رعایت کامل اصول اعلامیه ریو ۱۹۹۲ م، و یکی از عناصر آن شفافیت در فرایند تصمیم‌سازی است (New Delhi Declaration, 2002, para.6). شعبه اختلافات بستر دریا در نظر مشورتی، کارکرد خود را در راستای حکمرانی خوب ناحیه می‌داند و در واقع این اصل را پذیرفته است که «کارکردهای شعبه که در بخش ۱۱ کنوانسیون مقرر شده، برای حکمرانی خوب ناحیه مناسب است... شعبه مسئولیتی عالی برای تضمین اجرای صحیح مقررات بخش ۱۱ کنوانسیون و موافقت‌نامه اجرایی ۱۹۹۴ م دارد» (Ibid, para.29). در جای دیگری از رأی، عنصر شفافیت در تصمیم‌سازی که از عناصر مهم حکمرانی خوب است مورد توجه قرار می‌گیرد. شعبه معتقد است «رویکرد قراردادی (contractual approach) ممکن است به عدم شفافیت منجر شود. در این حالت مشکل بتوان از طریق اقدامات در دسترس برای عموم، ایفای تعهدات دولت حامی را تأیید کرد. تعهدات قراردادی صرف، جانشین مؤثری برای قوانین، مقررات و اقدامات اداری اشاره‌شده در کنوانسیون نیست» (Ibid, paras.224&225).

#### ۳. قضایای تون بلوفین جنوبی

در ۳۰ جولای ۱۹۹۹ دو کشور نیوزیلند و استرالیا درخواست‌های جداگانه‌ای برای اقدامات تأمینی در اختلاف خود با ژاپن نزد دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای ثبت کردند. اختلاف این دو کشور با ژاپن که به یک دادگاه داوری ارجاع شد، بر سر کوتاهی ژاپن در حفاظت از ذخیره ماهیان تون بلوفین جنوبی (Southern Bluefin Tuna) بود. ژاپن از نظر خواهان‌ها متهم بود که با برنامه یک‌جانبه ماهیگیری تجربی تون بلوفین در ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ م به‌طور آشکار تعهد خود بر اساس کنوانسیون ۱۹۹۳ م حفاظت تون بلوفین جنوبی را نقض کرده است (Request for the prescription of Provisional Measures submitted by Australia, 1999, paras.1-4).

در ۲۷ آگوست ۱۹۹۹، دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای قرار اقدامات موقتی را صادر و در آن تأکید کرد: استرالیا، نیوزیلند و ژاپن باید تضمین کنند که صید سالانه آن‌ها از سطح



تخصیص یافته به هریک در آخرین توافق فراتر نرود. این کشورها باید از انجام هر گونه برنامه ماهیگیری تجربی شامل صید ماهیان تون بلوفین جنوبی خودداری کنند، مگر با توافق دیگر طرف‌ها... این سه کشور باید مذاکرات را برای رسیدن به توافق در زمینه اقدامات حفاظت و مدیریت ماهیان تون بلوفین بدون فوت وقت ادامه دهند و تلاش‌های بیشتری برای توافق با دیگر دولت‌ها و نهادهای صیادی درگیر در صید تون بلوفین جنوبی برای حفاظت و ترویج استفاده بهینه از ذخایر به عمل آورند (Southern Bluefin Tuna Cases, 1999, para.90).

#### ۴. تحلیل قرار بر اساس اصول توسعه پایدار

##### ۴.۱. استفاده پایدار از منابع طبیعی

اصل استفاده پایدار و رعایت سهمیه‌ها و حفاظت ذخایر در منابع زنده دریایی به‌خصوص ماهیان تون بلوفین از نکات تأکید شده در این قرار است. همچنین در این قرار لزوم همکاری کشورها از طریق توافقاتی چندجانبه برای مدیریت و حفاظت منابع زنده دریایی خاطرنشان شد (Marr, 2000, p.830). دادگاه در قرار خود یادآور شد «حفاظت از منابع زنده دریا یک اصل در حمایت و حفاظت محیط زیست دریایی است. طرفین توافق دارند که ذخایر تون بلوفین جنوبی به‌شدت کاهش یافته و از لحاظ تاریخی در پایین‌ترین سطح قرار گرفته و این باعث نگرانی جدی بیولوژیکی شده است» (Southern Bluefin Tuna Cases, 1999, paras.70&71).

##### ۴.۲. اصل احتیاط

اصل احتیاط یکی از مبانی صدور این قرار است. دادگاه در قرار صادره تأکید کرد که «غیر از کوتاهی در انجام تعهدات مطابق کنوانسیون در خصوص مدیریت و حفاظت تون بلوفین جنوبی، به الزامات اصل احتیاطی هم بی‌توجهی شده است. از نظر دادگاه، طرف‌ها باید در این موقعیت با حزم و احتیاط عمل کنند تا اطمینان حاصل شود که اقدامات حفاظتی برای جلوگیری از آسیب جدی به ذخیره تون بلوفین جنوبی انجام شده است... هرچند دادگاه نتوانست شواهد علمی ارائه شده از سوی طرفین را ارزیابی قطعی نماید، اما به این نتیجه رسید که باید برای حفظ حقوق طرف‌ها و جلوگیری از وخامت بیشتر ذخیره ماهیان تون بلوفین جنوبی اقدامات فوری صورت گیرد...» (Ibid, paras.29&77&80). در واقع دادگاه با وجود عدم قطعیت علمی در موضوع آسیب به ذخایر ماهیان تون بلوفین، بنابر جوهره اصل احتیاط که در اصل ۱۵ اعلامیه ریو تجلی یافته است، اقدامات موقتی را تجویز کرد و این اولین بار بود که یک دادگاه بین‌المللی چنین حرکتی در خصوص منابع زنده دریایی انجام می‌داد (Marr, Op.cit).

## نتیجه

اصول حقوق بین‌الملل درباره توسعه پایدار مندرج در اعلامیه دهلی نو (۲۰۰۲م) تلفیقی از سه حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست، حقوق بین‌الملل اقتصادی و حقوق بین‌الملل بشر است. روح اصول توسعه پایدار این است: درجایی که توسعه باعث آسیب قابل توجه به محیط زیست یا حقوق انسان‌ها می‌شود، دولت‌ها موظفانند از چنین آسیبی جلوگیری کرده یا آن را کاهش دهند و این بخشی تفکیک‌ناپذیر از فرایند توسعه است. اختلافات بین‌المللی که با توسعه پایدار ارتباط دارد، ناشی از تلقی متفاوت دولت‌ها از این مفهوم و مرزهای آن است. تمایل دولت‌ها به حاکمیت مطلق بر منابع طبیعی خود یکی از مهم‌ترین اختلاف‌سازها، و نکته دیگر نبود اجماع دولت‌ها بر سر یک تعریف واحد از مفهوم توسعه پایدار است. دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی افزون بر حل و فصل اختلافات بین‌المللی نقش بسیار برجسته‌ای در موضوع توسعه پایدار دارند؛ نخست از نظر کمک به ترویج مفهوم توسعه پایدار و تثبیت اصول آن، و دوم از جنبه کاربرد این مفهوم و اصول آن در رأی و به عبارت دیگر، تقویت عنصر هنجاری موجود در مفهوم توسعه پایدار.

دیوان بین‌المللی دادگستری در دو دهه اخیر تمایل آشکاری به سوی کاربرد مفهوم و اصول توسعه پایدار در آرای خود نشان داده است. این تحول رویکرد در رویه دیوان، هم در آرای ترافی و هم آرای مشورتی مشهود است. البته دیوان در هیچ کدام از این آرا توسعه پایدار را به عنوان یک اصل عرفی شناسایی نکرده است، اما به یقین کاربرد این مفهوم و اصول آن از سوی دیوان به فرایند شکل‌گیری این قاعده عرفی کمک شایانی خواهد کرد. دیوان بین‌المللی دادگستری برای اولین بار در رأی قضیه «گابچیکوو- ناگیماروس» به مفهوم توسعه پایدار پرداخت و از آن در استدلال خود بهره گرفت. نظر جداگانه قاضی ویرامانتری در همین قضیه نمونه جالبی از دیدگاه‌های پویا و متحول قضات دیوان بین‌المللی دادگستری است. او اصل توسعه پایدار را بی‌تردید بخشی از حقوق بین‌الملل مدرن می‌داند و حتی عرفی شدن آن را نیز به‌طور ضمنی تأیید می‌کند.

دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها ۴ سال پس از اعلامیه ریو آغاز به کار کرد و در واقع تحت تأثیر نفوذ گسترده مفهوم توسعه پایدار در حوزه‌های مختلف از جمله حقوق قرار گرفت. در دادگاه بین‌المللی حقوق دریا نظر مشورتی شعبه اختلافات بستر دریا در سال ۲۰۱۱ درباره تعهدات دولت‌های حامی پیمانکاران بستر دریا از اهمیت خاصی برخوردار است. آنالیز آرای دادگاه حقوق دریا نشان می‌دهد که اصول توسعه پایدار از جمله اصل استفاده پایدار از منابع طبیعی و اصل احتیاط مورد توجه خاص قرار گرفته است. هم آرای دیوان بین‌المللی دادگستری و هم آرای دادگاه بین‌المللی حقوق دریا یک همسویی معنادار در استناد به اصول توسعه پایدار

از خود نشان می‌دهند و این امر بیانگر رویکرد مثبت این محاکم به حقوق نسل‌های آینده ضمن دفاع از منافع نسل کنونی است. تحلیل آرای سایر محاکم بین‌المللی شامل نهادهای حل اختلاف اقتصادی مانند دادگاه نفتا، ایکسید و نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، همچنین دادگاه‌های حقوق بشری مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر و دادگاه بین‌المللی حقوق بشر می‌تواند میزان نفوذ و تأثیر مفهوم توسعه پایدار و اصول آن در آرای این نهادها را نشان دهد و به یک نتیجه‌گیری کلی درباره جایگاه توسعه پایدار در رویه قضایی بین‌المللی رهنمون شود. رویکرد محاکم و نهادهای حل اختلاف بین‌المللی نسبت به چالش‌های در حال ظهور، مانند تغییر اقلیم، نیز می‌تواند موضوع پژوهش‌های بیشتری در این حوزه باشد.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۵)، حقوق بین‌الملل عمومی، چ ۵۴، تهران: انتشارات گنج دانش.
۲. ضیایی، یاسر (۱۳۹۳)، «جایگاه تعهدات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری»، پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، ش ۴۲، ص ۱۹۱-۲۲۴.
۳. طلایی، فرهاد (۱۳۹۰)، حقوق بین‌الملل دریاها، چ ۱، تهران: انتشارات جنگل.
۴. مشهدی، علی (۱۳۹۳)، «اساسی سازی ماهوی حق بر محیط زیست در حقوق ایران و فرانسه»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، ص ۵۸۰-۵۵۹.

### ب) خارجی

#### BOOKS

5. Armstrong, D., et al (eds)(2009), Routledge Handbook of International Law , Routledge.
6. Cordonier Segger,M.C, Khalfan,A.(2004), Sustainable Development law: Principles, Practices, and Prospects ,Oxford University Press.
7. Faure, M.( 2016), Elgar Encyclopedia of Environmental Law, Edward elgar publishing.
8. Fitzmaurice,Malgosia,Tamada,Dai(2016), Whaling in the Antarctic Significance and Implications of the ICJ Judgment , Brill.
9. Kiss,A., Shelton,D.(2007), Guide to International Environmental Law,Martinus Nijhoff .
10. Patel,Bimal N(2014), The World Court Reference Guide and Case-Law Digest,Brill Nijhoff.
- 11) Sands,Philippe (2003), Principles of International E\$nvironmental Law,2<sup>nd</sup> ed

- ,Cambridge.
12. Schrijver Nico, Weiss Friedel(eds)(2004), International Law and Sustainable Development Principles and Practice, Martinus Nijhoff.
  13. Schrijver, Nico(2008), The Evolution of Sustainable Development in International Law: Inception, Meaning and Status ,Hague Academy of International Law.
  14. Tanaka, Yoshifumi(2012), The International Law of the Sea, Cambridge.
  15. World Commission on Environment and Development(1987), Our Common Future, Oxford University Press.

#### ARTICLES

16. Beham, Markus P(2012), «Gabčíkovo-Nagymaros as a 'Mox Dam'? Thoughts on a Possible Solution by the European Court of Justice» Austrian Review of International and European Law, Vol. 17, pp. 117-136.
17. Boyle, A., Harrison, J.(2013), «Judicial Settlement of International Environmental Disputes: Current Problems» Journal of international dispute settlement, 4(2), p 245-276.
18. Cordonier Segger, M.C(2009), «The Role of International Forums in the Advancement of Sustainable Development Law», sustainable development law and policy, 10(1), pp.4-18.
19. Marr, Simon(2000), «The Southern Bluefin Tuna Cases: the Precautionary Approach and Conservation of Fish Resources», EJIL, 2000, vol 11, No.4, p.829-843
20. Zhu, X., and He, J.(2012), «International Court of Justice's Impact on International Environmental Law Focusing on the Pulp Mills Case», Yearbook of International Environmental Law, Vol. 23, No. 1, pp. 105-132.

#### CASES

21. Case concerning Gabčíkovo-Nagymaros project (Hungary/Slovakia), Judgment of 25 September 1997.
22. Case concerning Gabčíkovo-Nagymaros project, separate opinion of vice-president Weeramantry.
23. Case concerning pulp mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment of 20 April 2010.
24. Case concerning pulp mills on the River Uruguay, separate opinion of judge Cançado Trindade.
25. Whaling in the Antarctic (Australia v. Japan : New Zealand intervening), judgment 31 March 2014.
26. Decision of the Council of the International Seabed Authority requesting an advisory opinion, 161st meeting, 6 May 2010.
27. Responsibilities and obligations of States sponsoring persons and entities with respect to activities in the Area, advisory opinion of 1 February 2011.
28. Request for the prescription of provisional measures submitted by Australia, 30 July 1999.
29. Southern bluefin tuna cases, (provisional measures), Order of 27 August 1999.

**DOCUMENTS**

30. Fifth Report on the Principles of International Law relating to Sustainable Development, ILC, Committee on the Legal Aspects of Sustainable Development, (London: ILC, 2002).
31. New Delhi Declaration Of Principles Of International Law Relating To Sustainable Development, ILC Resolution, 3/2002.
32. Rio Declaration, United Nations "Conference on Environment and Development", 1992.
33. United Nations Framework Convention on Climate Change, 4 June 1992

**WEB SITES**

34. [www. icj-cij.org/](http://www.icj-cij.org/) last visited on: 28/01/2017
35. [www.itlos.org/](http://www.itlos.org/) last visited on : 20/01/2017